

مقاله پژوهشی: تاثیر بزه‌های ضد سبز بر امنیت و سیاست جنایی کارآمد

زیست‌محیطی

امین حاجی‌وند^۱، سیدحسین حسینی^۲ و عبدالرضا جوان‌جعفری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

چکیده

بزه‌های زیست‌محیطی و خصیصه‌های آن از جمله آثار فراملی، خطرناکی جرم و مجرمین این حوزه، امنیت زیست‌محیطی و توسعه پایدار را با خطر جدی مواجه نموده است. نظام حقوقی ایران با به رسمیت شناختن یکی از بزه‌های ضد سبز تحت عنوان جرایم علیه امنیت در باب افساد فی الارض و نوین‌سازی نگرش به بزه‌های ضد سبز در قانون مجازات اسلامی و آخرین نسخه پیش‌نویس لایحه تعزیرات ۱۴۰۱، به این مهم توجه داشته که بزه‌های زیست‌محیطی در مواردی می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیندازد؛ اما در ابعاد دیگر از جمله رفتارهای اقلیم‌ستیز و جرایم دولتی - شرکتی و افتراقی سازی (تخصصی)، سیاست جنایی منسجم و فنی نداشته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به توصیف بزه ضد سبز و امنیت سبز و سپس از لحاظ حقوقی و جرم‌شناختی به بررسی تأثیرگذاری این بزه بر امنیت ملی و بین‌المللی (با الگوی سیاست جنایی بین‌المللی شده سازمان ملل متحد و سیاست جنایی افتراقی شده سبز) می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که بزه‌های ضد سبز با توجه به خصیصه‌های غیرقابل جبران خود و خطرناکی مجرمین این حوزه تأثیر به‌سزایی در امنیت ملی و بین‌المللی دارند و می‌توان با رویکرد افتراقی و تخصصی سازی سیاست جنایی کنشی و واکنشی در جهت تضمین امنیت زیست‌محیطی قدم برداشت. مراد از سیاست جنایی کنشی، تدابیر پیشگیرانه‌ای است که نقش مهمی در قلمرو سیاست‌گذاری مطلوب داشته و سیاست جنایی واکنشی نیز در جهت مدیریت و تنظیم پاسخ‌های واکنشی حوزه سیاست جنایی نقش اصلی را ایفا می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: بزه ضد سبز، امنیت ملی، نظم عمومی، امنیت سبز، سیاست جنایی افتراقی سبز.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه:

Am.hajivand@mail.um.ac.ir

^۲ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) رایانامه:

Shosseini@um.ac.ir

^۳ استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، رایانامه: Javan@um.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله:

بزه ضد سبز^۱ گونه‌های مختلفی دارد که امروزه با پیشرفت و صنعتی‌شدن جوامع، این گستردگی روند افزایشی دارد. قبل از صنعتی‌شدن جوامع، محدوده آلودگی چندان گسترده نبود، درحالی‌که امروزه علاوه بر آلودگی آب و خاک، آلودگی ناشی از پسماندها، آلودگی‌های شیمیایی، هسته‌ای و ... نیز در سطح کلان مطرح می‌باشد. در یک تألیف به نام «حلقه تنگ: طبیعت، انسان و فناوری»^۲، فعال محیطی به نام باری کامونر^۳، افزایش انواع آلودگی‌ها را به توسعه فناوری‌های جدید مربوط دانست (بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

جرایم محیط زیستی می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی و نظم عمومی شود. مطابق تعریف فرهنگ روابط بین‌الملل، امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به‌سر می‌برد (علی بابایی، ۱۳۹۱: ۵۱). و لفرز امنیت ملی را به‌طور عینی به معنای فقدان تهدید برای ارزش‌های مکتسبه و به‌طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این‌گونه ارزش‌ها می‌داند (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۹). این شرایط و امکانات، خود ملهم از وضع ژئوپلیتیکی، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و بالاخره جایگاه آن در صحنه بین‌المللی است (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۹). تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از یک عمل یا سلسله

^۱ این عبارت در مقابل تعبیری است که برخی از نویسندگان از آن تحت عنوان «بزهکاری سبز» یا «بزه سبز» یاد کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: کشاورز، ۱۳۹۹). «بزه ضد سبز» که برای نخستین بار در این پژوهش به کار گرفته می‌شود بزه‌ی است بر ضد سبز یا همان ضد محیط زیست و توسعه پایدار و نمی‌تواند عنوان صرف «سبز» به خود بگیرد. شاید استفاده صرف واژه سبز در تألیفات نویسندگان علوم جنایی، الهام‌گرفته از بحث رنگ‌بندی شدن علوم جنایی است. به عنوان مثال «جرم‌شناسی سبز» به عنوان رویکردی نوین در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی از سوی مایکل لینچ و جرم‌شناسان اغلب انتقادی آمریکا ظهور پیدا کرد. این جرم‌شناسان معتقد هستند که جرم‌شناسی متعارف در پاسخگویی و تحلیل آسیب‌های زیست‌محیطی با شکست مواجه شده است. از این رو، ما نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و نگاهی سبز در علت‌شناسی آسیب‌های زیست‌محیطی هستیم. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: گرجی فرد، ۱۳۹۵) اما به نظر می‌رسد سرایت اصطلاح سبز به بزه زیست‌محیطی اقدام درستی نیست؛ چرا که جرم‌شناسی سبز به معنای جرم‌شناسی انتقادی نوظهوری است که در علت‌شناسی بزه زیست‌محیطی دیدگاه‌های جدیدی را نسبت به جرم‌شناسی سنتی مطرح می‌کند. بنابراین بزه ضد سبز بزه‌ی ضد محیط زیست و توسعه پایدار است.

۲. The Closing circle: Nature, Man and Technology

۳. Barry commoner

حوادث است که طی زمان کم یا بیش کوتاه کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را شدیداً تهدید می‌کند یا دامنه اختیار یک حکومت، کشور یا واحدهای خصوصی متعلق به یک کشور را در انتخاب سیاست مقتضی به شدت به مخاطره می‌اندازد. باتوجه به عوامل مؤثر در امنیت ملی (سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی) مؤلفه‌های امنیت ملی می‌تواند شامل: حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی و زیست‌محیطی و سرانجام حفظ استقلال و حاکمیت کشور باشد. به‌واقع، بسیاری از تهدیدات مطرح علیه جوامع بشری از مسائل زیست‌محیطی سرچشمه می‌گیرند. این تهدیدات هرچند ظاهری غیرامنیتی داشته و صرفاً تهدیداتی طبیعی جلوه می‌نمایند، لیکن در عمل امنیت جامعه و در نتیجه امنیت ملی کشورهای محل وقوع را تحت تأثیر قرار داده و گاهی آثار و تبعات بسیار بیشتر و چشمگیرتری از جنگ‌ها را به‌همراه می‌آورند (لطفی و نامی، ۱۳۹۰: ۲). راه مقابله با این تهدیدات و تلاش برای پایداری محیط زیست، توسل به مکانیسم‌های سیاست جنایی در حقوق محیط زیست است. اهداف این پژوهش بررسی و تحلیل تأثیرگذاری بزه ضد سبز بر امنیت سبز است و در این راستا سیاست جنایی کارآمد زیست‌محیطی در سطح ملی و بین‌المللی بررسی خواهد شد. ناگفته نماند که در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و در ازای حفاظت از ارزش‌های مشترک و جهانی، دکترین و مفاهیم حقوقی جدیدی وارد گفتمان حقوق بین‌الملل شده است. معاهدات متعددی نیز به تصویب رسیده که در آن اصطلاح «منافع مشترک»^۱ به‌کار رفته است. می‌توان گفت آنچه به عنوان ملاحظات اولیه و منافع مشترک بشری شناخته می‌شد، امروزه از منشاء ابتدایی و زمینه‌های تاریخی خود یعنی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر فاصله گرفته و به شاخه‌های دیگری از حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گسترش یافته و اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان اصول و مبانی بین‌المللی شدن سیاست جنایی سبز است.

^۱ . Common Interests

مهم‌ترین سوالاتی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ آنها است؛ عبارت است از اینکه: ۱- مفهوم سبز، بزه ضد سبز از منظر حقوقی، جرم‌شناختی و امنیت سبز چیست (سوال ابتدایی در جهت شناخت مفهوم) و ۲- جرایم علیه محیط زیست چه تأثیری بر امنیت ملی، بین‌المللی و نظم عمومی دارد و راهکارهای سیاست جنایی سبز در قبال این موضوع چیست؟

فرضیه‌ها عبارتند از: ۱- بزه ضد سبز از منظر حقوقی و جرم‌شناختی، ضد محیط زیست و توسعه پایدار است. امنیت سبز در تقسیم‌بندی‌های امنیت انسانی از ابعاد امنیت زیست‌محیطی است که مهم‌ترین تهدیدات در بعد ملی و بین‌المللی از جمله ورود آسیب به اکوسیستم‌های محلی، کمبود منابع طبیعی، به‌وجود آمدن بیابان‌ها، آلودگی شدید هوا، تغییرات اقلیمی و ... را دربردارد. ۲- خصوصیات متعدد بزه زیست‌محیطی که آثار غیرقابل‌جبرانی دارد، امکان تأثیر به‌سزایی در به خطر انداختن امنیت ملی، بین‌المللی و توسعه پایدار دارد. نظام حقوقی ایران با به رسمیت شناختن یکی از بزه‌های ضد سبز تحت عنوان جرایم علیه امنیت در باب افساد فی‌الارض و نوین‌سازی نگرش به بزه‌های ضد سبز در آخرین نسخه پیش‌نویس لایحه تعزیرات ۱۴۰۱، به این مهم توجه داشته که بزه زیست‌محیطی در مواردی می‌تواند امنیت ملی را به خطر بیندازد؛ اما در ابعاد دیگر از جمله رفتارهای اقلیم‌ستیز و جرایم دولتی - شرکتی سیاست جنایی منسجم و فنی نداشته است.

۱- مبانی نظری

پیشینه تحقیق:

آثار متعددی در خصوص امنیت ملی، امنیت زیست‌محیطی و تروریسم به رشته تحریر درآمده است که به مهم‌ترین و مرتبط‌ترین آنها اشاره می‌شود.

پژوهش تریف و همکاران (۱۳۸۳) تحت عنوان «مطالعات امنیتی نوین» ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی به بررسی مطالعاتی پرداخته که از لحاظ امنیتی جنبه نوین دارد. مهري (۱۳۸۱) تحت عنوان «بررسی مفهوم امنیت ملی و تأثیر آن در توسعه پایدار» گفت‌مان مدرن امنیت ملی را مطرح و به این نکته اشاره می‌کند که نگاه امنیت ملی نگاهی چندسویه است و طیفی از تهدیدات را می‌نگرد. پژوهش زارع مهدوی و دانش‌ناری (۱۳۹۵) تحت عنوان «امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی» یکی از تهدیدات نوین علیه امنیت بین‌المللی را تهدیدات زیست‌محیطی می‌داند. میرکمالی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به تروریسم زیست‌محیطی، بیوتروریسم و آگروتروریسم به عنوان جرایم علیه منافع و امنیت ملی» ضمن اشاره به تهدیدات زیست‌محیطی به عنوان تهدیدات علیه امنیت ملی، به رسیدگی به این دسته از بزه‌ها اشاراتی داشته است.

نظر به طیف متنوع پژوهش‌ها، تاکنون پژوهش جامع و مانعی در باب بزه ضد سبز و امنیت سبز و چالش‌ها و راهکارهای سیاست جنایی سبز انجام نشده و جای پژوهشی در این حوزه است. این پژوهش ضمن نوآوری‌های پژوهشی از همه آثار موجود بهره برده و تلاش دارد علاوه بر اثبات فرضیه، به پرسش‌های پژوهش پاسخی مناسب و در خور بدهد.

مفهوم‌شناسی

الف- مفهوم سبزشدن در شاخه‌های مختلف علوم جنایی

امروزه تألیفات علوم جنایی^۱ رنگ‌بندی شده‌اند. به عنوان مثال «جرم‌شناسی سبز» به عنوان رویکردی نوین در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی از سوی مایکل لینچ و جرم‌شناسان

۱. رنگ‌بندی سبز علاوه بر ارتباط با بحث نماد (محیط زیست)؛ می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. علل عبارتند از: ۱- به جهت مطرح نمودن نگاه‌های نواندیش رشد و نمو یافته باشد؛ همانگونه که در علوم مختلف همچون اقتصاد سبز و مدیریت سبز نیز به کار می‌رود. ۲- نگاه اعتراضی و ورود یک رویکرد جنبشی به مقوله علمی حاضر، همچون جرم‌شناسی سبز که نگاهی اعتراضی به نگرش قدیمی و سنتی دارد یا بزه‌دیده‌شناسی سبز که خواستار توجه عمیق‌تر به بزه‌دیدگان زیست‌محیطی است. ضررهای بزه در این مقوله در بسیاری از موارد غیرقابل جبران است.

اغلب انتقادی آمریکا ظهور پیدا کرد. این جرم‌شناسان معتقد بودند که جرم‌شناسی متعارف در پاسخگویی و تحلیل آسیب‌های زیست‌محیطی با شکست مواجه شده است. از این رو، اتخاذ رویکرد و نگاهی نوین در علت‌شناسی آسیب‌های زیست‌محیطی ضروری می‌نماید.

بزه‌دیده‌شناسی سبز یا زیست‌محیطی از جمله شاخه‌های جرم‌شناسی سبز است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی با خاستگاهی انتقادی از نظام عدالت کیفری در تقابل با بزه‌دیده‌شناسی متعارف پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت. در بزه‌دیده‌شناسی متعارف همواره انسان‌ها به‌عنوان بزه‌دیده‌ی جرائم معرفی می‌گردند، حال آن‌که بزه‌دیده‌شناسی سبز با گذار از این دیدگاه و ارزش‌گذاری برای محیط‌زیست معتقد است که انسان در کنار طبیعت می‌تواند بزه‌دیده سبز باشد. با رهگیری مقررات حاکم بر سیاست کیفری تقنینی ایران می‌توان بزه‌دیدگان سبز را به دو دسته جان‌دار و بی‌جان تقسیم کرد. بزه‌دیدگان سبز جان‌دار به اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان و بزه‌دیدگان سبز بی‌جان به هوا، آب، خاک و زمین قابل تقسیم‌اند. با این وجود، هرچند نظام حقوقی ایران هر دو دسته را به‌عنوان بزه‌دیده‌ی سبز انگاشته و از این رو متأثر از رویکرد طبیعت‌محور بوده، اما چالش‌های فراوانی در راستای حمایت از آنها در این مقررات وجود دارد که به‌تصویرکشیدن آنها می‌تواند نقش ارزنده‌ای در شناسایی و حمایت از بزه‌دیدگان سبز ایفا نماید (شاملو و احمدی، ۱۳۹۶).

عبارت «آیین دادرسی کیفری سبز» نخستین بار توسط امین حاجی‌وند در پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی به‌کار گرفته و در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شد. این پژوهش بیانگر لزوم رسیدگی‌های افتراقی (تخصصی) سبز در قبال بزه‌های ضد سبز (توسعه پایدار) است (حاجی‌وند، ۱۳۹۷).

یک عبارت دیگر که رنگ و بوی رنگ‌بندی شدن به خود گرفته و در حوزه علوم جنایی بینابین مطرح گردیده، عبارت «سیاست جنایی سبز سازمان ملل متحد در قبال محیط‌زیست» است که در رساله دکتری امین حاجی‌وند در دانشگاه فردوسی مشهد (۱۴۰۰) با تأثیرپذیری از آثار پروفیسورهای سبزاندیش به نام‌های «نیگل ساوس»، «اوی بریسمن» و «راب وایت» به‌کار گرفته شده است. در عصر حاضر به موازات جهانی‌شدن حقوق پدیده «سیاست

جنایی جهانی شده» یا «سیاست جنایی بین‌المللی» پدید آمده که غالباً بحران‌ها آغازگر این مقوله هستند. بدون تردید یکی از این بحران‌ها در حوزه محیط زیست است که فرآیند جهانی شدن را با شتاب بیشتری مواجه کرده^۱ به‌گونه‌ای که با ظهور و توسعه جرایم فراملی و سازمان‌یافته، جوامع شاهد شکل‌گیری، تقویت و توسعه سیاست جنایی جهانی شده‌ای است که در حوزه جرایم ضد سبز از دغدغه‌های سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد (کاسسه، ۱۴۰۱: ۲۸).

ب- مفهوم بزه ضد سبز از منظر حقوقی و جرم‌شناسی‌های انتقادی سبز نوظهور

مطابق با رویکرد حقوقی، جرم زیست‌محیطی به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. در این رویکرد مطابق با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تبلور پیدا کرده است، تعریف قانون‌مدار و قانون‌محور مدنظر قرار می‌گیرد؛ آنچه که توسط سزار بکاریا در کتاب «رساله جرایم و مجازات‌ها» و منتسکیو در کتاب «روح القوانین» تحت عنوان اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مورد توجه قرار گرفت.

سیتو و امونز در «جرایم زیست‌محیطی: نقش عدالت کیفری در حمایت از محیط زیست» معتقدند که جرم زیست‌محیطی، فعل یا ترک فعلی غیرمجاز است که تخلف از آن نقض قانون محسوب و سبب تعقیب کیفری فرد می‌شود. (سیتو و امونز، ۲۰۱۳: ۳).

عنصر قانونی جرم زیست‌محیطی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آن‌ها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص و برای مرتکب یا مرتکبین نیز بر حسب مورد مجازات تعیین شده است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۶۳).

طبقه‌بندی‌های مختلفی در خصوص جرم زیست‌محیطی ارائه شده است. در قوانین و مقررات ایران، جرم زیست‌محیطی گاهی به شکل عام و در مواردی به‌گونه‌ای خاص

^۲. در این حوزه چالش‌هایی نیز وجود دارد. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به: جلالیان، عسگر (۱۴۰۱)، حقوق بین‌الملل محیط زیست، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر

موردتوجه واقع شده است. از جمله مواردی که جرم زیست‌محیطی در معنای عام مورد توجه قرار گرفته، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. صرف‌نظر از تبیین عام جرم زیست‌محیطی، موارد خاص متعددی نیز وجود دارد که برخی از این موارد عبارت‌اند از: جرم آلودگی آب که در بند ۳ ماده آیین‌نامه جلوگیری از آب تعریف و جرم آلودگی هوا که در قانون هوای پاک مصوب ۲۵ تیر ۱۳۹۶، بند اول ماده ۱ به آن پرداخته شده است. در حوزه قوانین کیفری ماهوی جرایم زیست‌محیطی، تورم کیفری وجود دارد که نتیجه آن سردرگمی تابعان حقوق کیفری است. یکی از این سردرگمی‌ها در تشخیص ناسخ و منسوخ بودن قوانین کیفری (مثل قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶) قابل مشاهده است (کوشکی، ۱۳۸۸: ۹۰).

ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، حبس تا یک سال را برای کسانی که رفتار آنها تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست می‌باشد در نظر گرفته است، در صورتی که مرتکبین طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند. البته بایستی به این نکته توجه داشت که این ماده بدین معنا نمی‌باشد که مجازات‌های مطروحه در قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ اگر شدیدتر از این ماده نباشند به حبس تا یک سال محکوم می‌شوند. با این که قانون هوای پاک یک قانون خاص است، اما منظور مقنن در ماده ۶۸۸ تعزیرات ۱۳۷۵ قوانین خاص قبل از تصویب این قانون است؛ یعنی قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۲. با توجه به این که آخرین اراده مقنن در قانون هوای پاک متجلی شده فلذا در جرایم مطروحه در قانون هوای پاک، مرتکب به همان مجازات‌های قانون هوای پاک محکوم می‌شود، البته برخی از حقوقدانان، ماده ۶۸۸ را جرم عام زیست‌محیطی تلقی نمی‌نمایند بلکه معتقدند که اوصاف علیه تهدید بهداشت عمومی در این ماده تمثیل‌وار آمده است و قابل تعمیم به دیگر آلودگی‌ها نیست و موارد مطروحه نیز بایستی در حوزه آلودگی‌های مطرح شده باشد تا تهدید علیه بهداشت عمومی تلقی شود (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، اما مفهوم ماده بیانگر این استدلال نیست. در آخرین پیش‌نویس لایحه تعزیرات ۱۴۰۱ شمسی نیز موادی به بحث بزه‌های ضد سبز اختصاص داده شده که مورد تحلیل

قرار خواهد گرفت. بزه ضد سبز دیگر نیز که نشان از امنیتی شدن دغدغه‌های زیست محیطی دارد افساد فی الارض است که قانونگذار در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بدان اشاره داشته و می‌توان آن را معادل تروریسم زیست‌محیطی دانست که در برخی از نظام‌های حقوقی همچون فرانسه مطرح شده است.^۱

جرم‌شناسان سبز، باتوجه به اینکه امروزه ضررهای زیست‌محیطی فراملی شده است، اصل ضرر را مرکز توجه قرار داده‌اند و آنچه که در تعریف جرم زیست‌محیطی ملاک قرار می‌دهند، ضرر زیست‌محیطی است نه جرم‌انگاری آن‌ها. در واقع، بسیاری از جرم‌شناسان سبز در نظام جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی تابع رویکرد حقوق بشری هستند. رویکرد حقوق بشری مدعی است که جرم هنگامی رخ می‌دهد که حقی از حقوق بشر نقض شده باشد؛ خواه آن عمل قانون‌گذاری شده باشد خواه خیر. جرم‌شناسان سبز با توجه به منافع بشر و مشکلات زیست‌محیطی، ضرررسانی را ملاک جرم زیست‌محیطی دانسته‌اند و اصل قانون‌مندی و تعاریف رسمی جرم از جانب سیستم عدالت کیفری را زیر پا می‌گذارند.

در دیدگاه این دسته از جرم‌شناسان، جرایم سبز به دو دسته جرایم سبز سنتی و جرایم سبز نوین تقسیم می‌شود. منظور از جرایم سبز سنتی، آن دسته از جرایمی است که جرم‌انگاری درخصوص آن‌ها صورت گرفته است؛ همچون جرایم آلودگی هوا و آلودگی آب، جرایم علیه حقوق حیوانات و ...، اما جرایم سبز مدرن شامل خشونت‌های دولتی و جرایم زیست‌محیطی سازمان‌یافته آنها هستند که باید جرم‌انگاری شوند. در واقع، دغدغه اصلی جرم‌شناسی سبز، جرم‌انگاری از خشونت‌های دولتی است که به‌خاطر اینکه خود

^۱ . نظام حقوقی فرانسه در جهت توجه به محیط زیست به عنوان نظام حقوقی پیشتاز شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که قانون‌گذار فرانسه در سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفت جرم زیست‌زدایی (اکو ساید) را ضمن قیاس با نسل‌زدایی موضوع ماده ۲۱۱-۱ قانون مجازات، ذیل ماده پیشنهادی ۱-۲۳۰، محسوب کند. منظور از زیست‌زدایی بر اساس متن پیشنهادی، یک اقدام طراحی شده در جهت نابودسازی کلی یا جزئی اکوسیستم در زمان صلح یا جنگ است که منجر به لطمه شدید و پایدار به محیط زیست و شرایط زیستی جمعیت شود. این طرح هنوز به تصویب نرسیده و وارد قانون مجازات نشده است و آنچه که در مقام جرم تروریستی در نظام حقوقی فرانسه وجود دارد همان ماده ۲-۴۲۱ قانون مجازات فرانسه می‌باشد (شاملو و قلیپور، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

حکومت واضح جرم است، امکان‌ناپذیر شده است (میرکمالی، حاجی وند و نباتی، ۱۳۹۹: ۲۸). این مقوله امنیت ملی را با چالش جدی مواجه ساخته است.

عبارت جرم‌شناسی ادغام‌گرا، اولین بار تحت عنوان «جرم‌شناسی فرهنگی سبز» در سال ۲۰۱۳ میلادی در مقاله «طرحی اکتشافی بر جرم‌شناسی فرهنگی سبز» استفاده شد. به رسمیت شناختن این نوع از جرم‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی در کتاب «جرم‌شناسی فرهنگی سبز، راهبردهای جدید در جرم‌شناسی انتقادی» صورت پذیرفت.^۱ خاستگاه جرم‌شناسی فرهنگی سبز، جوامع سرمایه‌داری است (جوان جعفری و حاجی وند، ۱۴۰۰: ۳۸). دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی سبز، ترکیب دیدگاه‌های دو دسته از جرم‌شناسی فرهنگی و سبز است. این قسم از جرم‌شناسی با رویکردی ترکیبی، دغدغه دسترسی به حق بر محیط زیست سالم را دارد.

یکی دیگر از اقسام بزه‌های ضد سبز، بزه‌های دولتی-شرکتی است. امروزه، دولت باید به این رویکرد اعتقاد داشته باشد که حفظ امنیت ملی، در گرو امنیت زیست‌محیطی است. امنیت محیط زیست، به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرهای و تهدیدهای زیست‌محیطی فراهم سازد. از دیرباز، بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌عنوان یکی از مباحث چالش‌برانگیز مطرح بوده به‌طوری که یکی از ابتکارات قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است. اگرچه قانون‌گذار گام مثبتی در این راستا برداشته اما به‌نظر می‌رسد خالی از اشکال هم نیست، زیرا در تبصره ماده ۲۰ قانون فوق‌الذکر، دولت را به‌عنوان مهم‌ترین شخص حقوقی در موارد اعمال حاکمیت فاقد مسئولیت کیفری دانسته

^۱. See for details: Brisman, Avi & Nigel South (2014), Green Culture Criminology, New directions in critical criminology.

است، البته مسئولیت کیفری دولت در دو عرصه داخلی و بین‌المللی، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز بوده است به طوری که در عرصه بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌المللی، باتوجه به گرایش جدید در حقوق بین‌المللی عمومی و پس از بررسی‌های مفصل در این زمینه، سرانجام به موجب طرحی که در سال ۱۹۷۶ میلادی به تصویب اکثریت اعضای کمیسیون رسید در اصل مفهوم جرم دولت را می‌پذیرد. شاید بتوان گفت یکی از دغدغه‌های فکری مارک آنسل نیز که در کتاب «دفاع اجتماعی» خود بیان داشته، بزهکاری دولتی در جرایم زیست‌محیطی است که با زیر پا گذاشتن حقوق اولیه و اساسی اشخاص متجلی می‌شود و با کمال تعجب تاکنون از هر نوع مجازات مصون مانده است (حاجی‌وند، میرکمالی، صفری و سروی سرمیدانی، ۱۳۹۷: ۵۷). منظور از اصطلاح دولت، که برخی از مولفان آن را دولت-کشور تعبیر کرده‌اند، جامعه سیاسی و متشکلی است که در آن، قدرت سیاسی، سرزمین و جمعیت یافت می‌شود و کلیتی را متصور می‌سازد که جهان امروز ما به این نوع واحدها تقسیم شده است که درون آن هم مفهوم حکومت و هم مفهوم ملت است و شامل قوه‌ای حاکم بر کشور اعم از قوه مقننه، مجریه و قضائیه می‌شود. منظور از دولت، قوه مجریه است زیرا باتوجه به اصل تفکیک قوا به یقین می‌توان گفت تنها قوه‌ای که در حوزه آلودگی‌های زیست‌محیطی از آلودگی‌های کارخانه‌های وابسته به وزارت‌خانه‌های دولتی گرفته تا استخراج نفت می‌تواند نقش‌آفرین باشد قوه مجریه است و باید حائز مسئولیت کیفری شناخته شود.

پ- امنیت سبز (زیست محیطی)

امنیت ملی یک کشور تا چند دهه پیش، صرفاً معنایی نظامی داشت و به‌همین دلیل تهدید نظامی، مهم‌ترین تهدید برای امنیت ملی هر کشور شناخته می‌شد، اما در دهه‌های اخیر، بحران زیست‌محیطی نیز بر مطالعات امنیت ملی افزوده شد و در تعریف جدید

امنیت، دیگر نمی‌توان آن را به‌طور یک‌طرفه و یک‌جانبه تحقق بخشید (سلیمان خاکسار، ۱۳۸۹: ۴۰۵). همین مقوله، بعد نوین امنیت را که همانا بعد زیست‌محیطی آن است تحقق می‌بخشد. محیط زیست از آن جهت که می‌تواند موجبات تقویت بنیه‌های اقتصادی و سلامت جسمی و روانی کشور را فراهم سازد، عاملی مطلوب و تقویت‌کننده در جهت اهداف امنیت ملی به‌شمار می‌آید. امنیت محیط زیست به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرها و تهدیدهای ناشی از رفتارهای آسیب‌رسان زیست‌محیطی فراهم می‌سازد (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۵۲). گفتمان مدرن امنیت ملی یک رویکرد بین‌رشته‌ای را تقویت می‌کند تا کشور به‌سوی توسعه‌ای پایدار سوق یابد. لزوم حمایت سیاست جنایی از منافع و امنیت ملی، ارتباط میان‌رشته‌ای بحث امنیت را با حقوق پررنگ‌تر می‌کند. جلوه‌های این حمایت در دو بعد سیاست جنایی کنشی و واکنشی جلوه می‌کند که در این پژوهش به بررسی تفصیلی این موارد پرداخته می‌شود.

۲- روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی اسنادی و فیش‌برداری بوده است. در قسمتی از تحقیق که به تبیین مفاهیم امنیت سبز، بزه ضد سبز و اندیشه‌های سبز می‌پردازد، بیشتر از روش توصیفی و در قسمت دیگر که مربوط به بررسی اثرگذاری بزه ضد سبز بر امنیت ملی و بین‌المللی و سیاست جنایی سبز در قبال بزه ضد سبز می‌باشد، بیشتر از روش تحلیلی استفاده شده است. همچنین اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف به روش کتابخانه‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این پژوهش که ذاتاً ماهیتی راهبردی دارد، ابتدا به توصیف بزه ضد سبز و امنیت سبز و سپس از لحاظ حقوقی و جرم‌شناختی به

بررسی تأثیرگذاری بزه سبز بر امنیت ملی و بین‌المللی (با الگوی سیاست جنایی بین‌المللی شده سازمان ملل متحد) خواهد پرداخت و چالش‌ها و راهکارهای این حوزه را مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.

۳- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تأثیرگذاری بزه ضد سبز بر امنیت ملی و بین‌المللی

بزه ضد سبز و بزه‌کاران این حوزه دارای خصیصه‌هایی هستند که باعث تأثیرگذاری بر امنیت ملی و بین‌المللی می‌گردد و در این گفتار به بررسی آنها پرداخته می‌شود. خطرناکی یا حالت خطرناک بزه، آنگونه که در جرم‌شناسی تحقیقی مطرح است، لزوماً جنبه بالینی ندارد. افراد خطرناک از نظر بزه‌کاری، بیمار و آسیب دیده نیستند، بلکه از نظر اجتماعی به نوعی مسئول عمل خود انگاشته می‌شوند و باید آنان را با هدف تأمین امنیت جامعه، تحت کنترل و نظارت قرار داد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۷۲۴).

یکی از نمودهای بارز جرایم سازمان‌یافته، جرایم زیست‌محیطی می‌باشد؛ البته لازم به ذکر است که سازمان‌یافتگی یک طریق و شیوه برای ارتکاب جرم است. لزوماً جرایم زیست-محیطی سازمان‌یافته نیستند، اما در بسیاری از موارد کلان، به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب پیدا می‌کنند. آنچه که باعث می‌شود جرایم زیست‌محیطی سازمان‌یافته خطرناک تلقی شوند تفاوت آنها با جرایم غیرسازمان‌یافته است. مرتکبان جرایم غیرسازمان‌یافته، اغلب کوتاه‌بین، تکانشی و جست‌وجوکننده خطر معرفی شده‌اند، درحالی‌که این ویژگی‌ها در مورد مرتکبان جرایم سازمان‌یافته، صدق نمی‌کند (ویر، ۲۰۱۰: ۳۵۷)^۱. از همین رو قانون‌گذار با توجه به آثار بالقوه خطرناکی که ممکن است از تشکیل یک گروه سازمان‌یافته برای ارتکاب جرم ناشی شود، سردهسته این گروه را مستوجب شدیدترین مجازات می‌داند. لازم به ذکر است

^۱. Vere, 2010: 357

که از لحاظ عنصر روانی نیز می‌توان خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی را مورد بررسی قرار داد، بدین معنا که آلاینده محیط زیست بدون اینکه به‌صورت سازمان‌یافته، به ارتکاب جرم مبادرت ورزد، از آن جهت که عمداً یک جرم زیست‌محیطی را انجام می‌دهد، خطرناک‌تر از مجرمی است که از روی غیرعمد این کار را انجام داده است. براساس تحقیقات مؤلفه‌هایی همچون تعدد و تکرار جرم و سابقه کیفری را می‌توان نشانه‌ای از خطرناکی برشمرد.

در جرایم زیست‌محیطی، ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است و امنیت ملی و بین‌المللی را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد. جرایم زیست‌محیطی ممکن است در یک لحظه افراد زیادی را بزه‌دیده قرار دهد، بدون اینکه بیشتر بزه‌دیدگان از بزه‌دیدگی خود مطلع شوند. اکثر جرایم زیست‌محیطی به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و همین امر خود موجب مطرح شدن جرم زیست‌محیطی فراملی می‌گردد. در مواردی که اقدامات انجام‌گرفته در طول چندین دهه موجب فرسایش تدریجی جنگل‌ها و محیط زیست طبیعی شود، بزه‌دیده مستقیم وجود ندارد ولی در طول زمان، کل جمعیت یک منطقه و بلکه کل جهانیان از چنین اقداماتی متضرر می‌شوند. بزه‌دیده چنین جرایمی ممکن است نسل‌های فعلی یا آتی و یا هر دو باشند (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲۴۹). معمولاً در این جرایم نوعی سازمان‌یافتگی دیده می‌شود. در جرایم سازمان‌یافته وضعیت و موقعیت خاصی برای ارتکاب جرم وجود دارد. لازم به‌ذکر است که درحال حاضر بیشتر حقوقدانان از جرایم زیست‌محیطی به عنوان جرائم سازمان‌یافته فراملی یاد نموده‌اند (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۸۱). شاید یکی از مهم‌ترین علل این باشد که حق محیط زیست سالم که یک حق بشری است به عنوان حقی فراملی قلمداد می‌شود (بابایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۴۱۹) و نقض این حق به‌مثابه یک جنایت فراملی است. به عنوان مثال یک جرم

زیست محیطی می‌تواند تأثیری در پدیده گرم‌تر شدن کره زمین داشته باشد و این یک اثر فراملی است.^۱

در کنوانسیون پالمو که ایران نیز به آن پیوسته است، ابتدا گروه مجرمانه سازمان یافته تعریف شده است. در ماده ۳ این کنوانسیون به فراملی بودن جرم تأکید شده و آن را در صورتی فراملی قلمداد نموده است که در قلمرو بیش از یک دولت ارتکاب یابد. البته حقوقدانان می‌کوشند تا در مقابله با جرایم سازمان یافته، توجهی بر فراملی بودن آن نداشته باشند، اما همواره بایستی توجه داشت که جرایم زیست محیطی که به شیوه سازمان یافته ارتکاب پیدا می‌کنند، معمولاً آثار فراملی نیز دارند. امروزه در جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است که تهدیدات زیست محیطی نیز صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سازمان جهانی عهده‌دار مسؤلیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ضروری دانسته است که موضوع محیط زیست را در دستور کار خود قرار داده و از رهگذر تصویب اسناد الزام‌آور، اسناد ارشادی، پیمان‌نامه‌ها، قطعنامه‌ها، برگزاری کنفرانس‌های متعدد، ایجاد نهادهای تخصصی وابسته (مانند یونپ)، تعیین اولویت‌های هزاره‌ی سوم میلادی و ... دولت‌ها را «ترغیب» یا «ملزم» به پیشگیری و مقابله با جرایم زیست محیطی کند. بنابراین بررسی سیاست جنایی سازمان ملل متحد در قبال بزه‌کاری زیست محیطی از اهمیت فراوانی برخوردار است و می‌توان از یک سیاست جنایی بین‌المللی در مقابل حقوق کیفری ملی صحبت نمود، چرا که زمانی که حقوق کیفری جهانی شده است، سیاست جنایی در برابر جرایم بین‌المللی و فراملی همچون بزه‌کاری زیست محیطی نیز باید جهانی شود و

^۲. تغییرات اقلیمی نمونه بارز این بحث محسوب می‌گردد. گرمایش زمین، تغییر اقلیم و پیامدهای ناشی از آن‌ها نسبت به انسان‌ها و محیط زیست، بحران اقلیمی است. از جمله پیامدهای بحران اقلیمی، تغییر در رفتار انسان‌ها به‌ویژه تحول در نرخ و نوع بزه‌کاری است. باین‌وجود، غفلت از بحران اقلیمی به‌عنوان مهم‌ترین بحران قرن حاضر، به‌طور سنتی موجب غفلت در بررسی این مؤلفه تحول بزه‌کاری شود. شواهد زیادی وجود دارد که مطابق آن‌ها هر یک از عناصر تغییر اقلیمی (نظیر بارش، دما و ...) منجر به تحول در نرخ و نوع بزه‌کاری می‌شوند. بدین‌سان مقابله با بحران اقلیمی را می‌توان در کنار مزایای بی‌شماری که برای محیط زیست و سلامتی انسان دارد، موجب کاهش بزه‌کاری در سطح جامعه دانست. از این‌رو سیاست‌گذاری اقلیمی و بزه‌انگاری رفتارهای اقلیم‌ستیز حکومت و شرکت‌های تولیدکننده کربن و توسعه گازهای گلخانه‌ای در سطح جهان، ضرورت دارد (رضوی‌فرد و صفائی، ۱۴۰۰: ۵۹).

حاکمیت دولت‌ها نمی‌تواند مانعی بر سر راه باشد. زیرا اصل احتیاط مقتضی به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل محیط زیست^۱ نشان‌دهنده این مهم است که آسیب‌ها و ضررهای بزه‌کاری زیست محیطی محدود به مرزهای یک کشور نیست و دولت نیز متعهد به تضمین حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از نسل‌های حقوق بشری است. تأمین امنیت زیست‌محیطی در بعد ملی و بین‌المللی و سیاست‌گذاری کارآمد سبز نظام‌های حقوقی از رهگذر اتخاذ و به کارگیری پاسخ‌های کنشی و واکنشی در قبال بزه ضد سبز حایز اهمیت است که در ذیل به بررسی آن پرداخته می‌شود.

سیاست جنایی کنشی در قبال بزه ضد سبز

پیشگیری از بزه‌کاری یکی از مسائل بسیار مهم مورد بحث و بررسی در ادبیات سیاست جنایی محسوب می‌گردد. عبارت «پیشگیری بهتر از درمان است» با وجود سادگی، در صورت رعایت معنا، تأثیر عمیقی در بهبود زندگی اجتماعی انسان خواهد داشت. زیرا انسان ذاتاً یک موجود پیشگیر است.

پیشگیری از جرم در چند دهه اخیر به‌طور ویژه توجه سیاست‌گذاران را در حوزه عدالت کیفری به خود جلب کرده و در این راستا برنامه جرم سازمان ملل متحد از بدو تشکیل خود نیاز به اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از جرم را مدنظر قرار داده است. این موضوع خود اهمیت اقدامات پیشگیرانه (تدابیر غیرقهرآمیز) در سیاست جنایی سازمان ملل را می‌رساند. ماحصل این موضوع آن است که شورای اقتصادی اجتماعی در سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲ رهنمودهای پیشگیری از جرم را جهت ترویج برنامه‌های پیشگیری از جرم در سطح ملی به تصویب رساند. بند ۴ سیاست‌های کلی محیط زیست پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز، جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌گران محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت را مورد توجه قرار داده است.

۱. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به: (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۸: ۲۸-۴۸)

پیشگیری جامعه‌مدار از بزه‌کاری زیست‌محیطی

پیشگیری جامعه‌مدار (شامل مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری) با ماهیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از وقوع جرم به‌منظور بسترسازی برای اجتماعی‌کردن همه شهروندان به‌کارگرفته می‌شود. در ذیل به برخی از سیاست‌های کنشی جامعه‌مدار زیست‌محیطی در دیدگاه سازمان ملل متحد (به عنوان الگوی جهانی) و نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

الف- سیاست آموزش سبز (محیط زیست)

می‌توان آموزش را نخستین راهبرد پیشگیرانه سیاست جنایی هر جامعه دانست. زیرا تا زمانی که فرد، آگاهی لازم از یک رفتار و پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم آن را نداشته باشد، نمی‌تواند به ممنوعیت آن پی برده و از ارتکاب آن خودداری نماید. درحقیقت، علم نخستین شرط رفتار قانونی است. این نکته درمورد جرایم زیست‌محیطی به طریق اولی صادق است. زیرا اگر در جرایمی (قتل، سرقت، زنا، توهین و ...) انسان به‌طور فطری به زشتی رفتار خودآگاه است، در جرایم زیست‌محیطی یا بخش قابل توجهی از آن، چنین آگاهی وجود ندارد. ازاین‌رو ضروری است که سیاست‌گذار جنایی، سیاست آموزشی ویژه‌ای را در دستور کار قرار دهد تا اخلاق زیست‌محیطی و فرهنگ زیست‌محیطی در میان شهروندان ترویج یابد. درحقیقت، رسالت نخست سیاست‌گذار جنایی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، تولید و ترویج اخلاق و فرهنگ زیست‌محیطی است تا شهروندان ضمن آشنایی لازم با ارزش‌ها و هنجارهای زیست‌محیطی در رفتارهای روزانه خویش آن‌ها را رعایت نمایند. بند ۱۴ سیاست‌های کلی محیط زیست درخصوص آموزش زیست‌محیطی و لزوم افزایش آگاهی‌ها، «گسترش سطح آگاهی، دانش و بینش زیست‌محیطی جامعه و تقویت فرهنگ و معارف دینی مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌ویژه امر به معروف و نهی از منکر را برای حفظ محیط زیست در تمام سطوح و اقشار جامعه» مقرر داشته است. باعنایت به همین امر، سیاست‌های سازمان ملل متحد به آموزش اخلاق و محیط زیست به شهروندان نیز توجه دارد. همچنین در مواد مختلف اعلامیه استکهلم و در موادی چند از اعلامیه ریو (۱۹۹۲) آموزش سبز مورد اشاره قرار

گرفته است. همین سیاست در اسناد دیگر نیز مشاهده می‌شود. به این ترتیب سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی با وقوف به اهمیت موضوع آموزش در پیشگیری و کاهش جرایم زیست‌محیطی تلاش نموده‌اند تا برنامه‌های آموزشی را در دستور کار نهادهای بین‌المللی و داخلی قرار دهند. در این راستا، یونپ همکاری گسترده‌ای را با یونسکو به منظور آموزش اخلاق زیست‌محیطی به شهروندان آغاز نموده است.

ب- سیاست دانش‌محوری و اقتصاد سبز

بند ۱۱ اعلامیه در این رابطه بیان می‌دارد که «راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشگیری از جرم باید بر دانش گسترده و جامع درباره مسائل جرم، علل چندوجهی آن‌ها و تجربیات موفق و امیدبخش در زمینه‌های پیشگیری، مبتنی باشد».

برای آنکه پیشگیری از جرم مؤثر باشد، باید سیاست‌ها و برنامه‌های موجود در این زمینه، براساس معیارها و موازین علمی، اتخاذ و اجرا شود. به این معنا که خواه در فرآیند سیاست‌گذاری و خواه در فرآیند اجرای برنامه‌ها و طرح‌های پیشگیرانه، باید ملاحظات و آموزه‌های علمی مورد توجه قرار گیرد. این امر در رابطه با پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم زیست‌محیطی کاملاً مشهود است. چرا که عمده آثار مخرب بر محیط زیست ناشی از رشد تکنولوژی در حوزه‌های مختلف می‌باشد که برای پیشگیری از ورود آسیب و ارتکاب جرم، معرفی تکنولوژی جایگزین اهمیت دارد. بنابراین امروزه صحبت از اقتصاد سبز به عنوان آموزه معرف راهکارهای اقتصادی هماهنگ با محیط و حسابداری سبز در جهت پایش اقدامات شرکت‌های تجاری در تعامل با محیط زیست مطرح شده است.

با ملاحظه «سیاست‌های کلی محیط زیست» که در قالب اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) ابلاغ شده مشخص است که یکی از مؤلفه‌های مهم در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی، روی آوردن به فناوری سبز است. در این رابطه در بند ۸ این سیاست‌ها، «گسترش اقتصاد سبز با:

۱ - ۸. صنعت کم‌کربن، استفاده از انرژی‌های پاک، محصولات کشاورزی سالم و ارگانیک و مدیریت پسماندها و پساب‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و زیست‌محیطی.

۲ - ۸. اصلاح الگوی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی الگوی مصرف آب، منابع، غذا، مواد و انرژی به‌ویژه ترویج مواد سوختی سازگار با محیط زیست

۳ - ۸. توسعه حمل و نقل عمومی سبز و غیرفسیلی از جمله برقی و افزایش حمل و نقل همگانی به‌ویژه در کلان‌شهرها» مورد تأکید قرار گرفته است. ملاحظه می‌شود که در این سند بالادستی نیز یکی از طرق پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی، توسل به فناوری و دانشی است که مانع از تخریب و آسیب به محیط زیست شود، از جمله این موارد می‌توان به فناوری استفاده از انرژی خورشیدی به عنوان جایگزین سوخت فسیلی یا استفاده از سوخت‌های زیستی و برق در وسایل حمل و نقل اشاره کرد که نیازمند دانش و فناوری لازم در این حوزه است.

پیشگیری موقعیت‌مدار از بزه‌کاری زیست‌محیطی

پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی یکی از شاخص‌ترین شاخه‌های پیشگیری با هدف مدیریت اوضاع و احوال قبل از وقوع جرم است. در این پژوهش این راهبردها از منظر سازمان ملل متحد مورد تحلیل و کنکاش قرار می‌گیرد. پیشگیری موقعیت‌مدار در این الگو برای گیاهان و حیوانات در نظر گرفته شده که می‌تواند امنیت زیستی آنها را با خطر جدی مواجه سازد و اگر این دسته از مقوله‌های سبز در نظام حقوقی کشورها با خطر مواجه شوند، نوعی نگرش منفی نسبت به کشور ایران در خصوص عدم رعایت استانداردهای محیط زیست شکل می‌گیرد.

راهبرد نظارت بر گونه‌های گیاهی و جانوری

نابودی تنوع زیستی در سه قلمروی اصلی آن (ژن‌ها، گونه‌های جانوری و زیست‌بوم‌ها) به‌سرعت در حال وقوع است. از این رو باید به راهبردهای پیشگیری وضعی مربوطه توجه مضاعفی نمود که در ذیل، این راهبردها از دیدگاه کنوانسیون‌های مختلف بررسی می‌شود.

الف- محدودسازی شکار و صید

همان‌گونه که میکروب در محیط آلوده و مستعد رشد می‌کند، بزه‌کاری نیز در شرایط و موقعیت‌های مساعدتر بهتر قابل انجام است. برخی فرصت‌ها، موقعیت‌ها و مشاغل کاذب در جامعه، زمینه مستعدی برای رشد هرچه بیشتر بزه‌کاری است. در سیاست پیشگیری وضعی از بین بردن این فرصت‌ها و موقعیت‌ها از اولویت برخوردارند که یکی از آنها محدودسازی شکار و صید است.

ماده ۶۶ کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان یک اصل مبنایی بر محدودسازی و کنترل و نظارت بر صید دریایی در جهت کنترل منابع زنده تأکید دارد. موافقت‌نامه ۱۹۹۵ سازمان ملل متحد نیز بر کنترل ماهیگیری از طریق ایجاد تدابیر حفاظتی و مدیریتی تأکید می‌ورزد.

ب- شماره‌گذاری و کدگذاری گونه‌ها

مواد ۳ و ۴ معاهده بین‌المللی حفاظت از گونه‌های جدید مصوب ۱۹۶۱ بر شماره‌گذاری و کدگذاری گونه‌ها تأکید ورزیده است که به‌نوعی پیشگیری وضعی محسوب می‌شود. در قوانین راجع به شکار و صید نیز پیشگیری‌های موقعیت‌مدار وجود دارد. در پیش‌نویس لایحه تعزیرات ۱۴۰۱ نیز در جهت پیشگیری کیفری و مقابله با این مقوله‌های ضد سبز موادی وجود دارد. ماده ۲۸۷ لایحه مزبور چنین مقرر می‌دارد: «هر شخصی مرتکب هر یک از رفتارهای زیر شود به حبس درجه پنج یا جزای نقدی معادل دو برابر خسارت وارده و یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش محکوم می‌شود: الف- شکار جانوران قابل شکار و صید انواع کمیاب و در معرض خطر انقراض از قبیل جیبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح کرکودیل، هوبره و میش مرغ و همچنین شکار با استفاده از وسائل نقلیه موتوری؛ ب- شکار ببر، یوزپلنگ و تمساح کرکودیل در پارک‌های ملی؛ پ- شکار، صید و یا کشتار جانوران قابل شکار و صید با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن و شکار به‌صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشتار آنان به‌طریق جرگه و محاصره دسته‌جمعی؛ ت- مبادرت به اقداماتی که موجبات آلودگی آب دریای

خزر و خلیج فارس و دریای عمان با مواد غیرنفتی را فراهم آورده و باعث مرگ و میر آبزیان یا به خطر افتادن محیط زیست آنان شود؛ ث- ایجاد آتش سوزی عمدی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی، مناطق حفاظت شده یا پناهگاه‌های حیات وحش»^۱

سیاست جنایی واکنشی در قبال بزه ضد سبز

در این گفتار با الگوبرداری از سیاست جنایی بین‌المللی، سیاست جنایی واکنشی در قبال بزه ضد سبز بررسی می‌شود.

پاسخگو نمودن دولت در قبال رفتارهای آسیب‌رسان ضد سبز

عدم توجه به حفاظت از محیط زیست در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت نتیجه‌ای جز تخریب و نابودی محیط زیست (به‌خطر افتادن امنیت سبز) نخواهد داشت. نمونه این موارد را می‌توان در سنگاپور مشاهده کرد که به دلیل بدهی‌های فراوان، زمین‌های کشاورزی آنچنان مورد تهاجم و بهره‌برداری قرار گرفتند که راه برای ایجاد کویر باز شده است. در کاستاریکا برای افزایش صادرات گوشت به آمریکا، میلیون‌ها هکتار جنگل طبیعی را به چراگاه‌های دام تبدیل کرده‌اند که نتیجه آن تخریب جنگل‌ها و فرسایش خاک بوده است. مثالی که از کشور ایران در رابطه با تأثیر سیاست‌های اجتماعی- اقتصادی می‌توان زد، بحران دریاچه ارومیه است. بنا به گزارش برنامه‌ریزی مدیریت جامع دریاچه ارومیه، این دریاچه با دو دسته تهدیدات درونی و بیرونی مواجه است. در یک دهه گذشته افزایش طرح‌های توسعه و بهره‌برداری از آب و احداث بزرگراه شهید کلانتری شرایط دریاچه را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین بهره‌برداری از جریان رودخانه‌ها از طریق سدها و شبکه‌های وابسته باعث کاهش جریان آب ورودی شده و جزء تهدیدات خارج از تالاب قلمداد می‌شود. همه این موارد توجیه اقدامات دولت را نشان می‌دهد. جرم‌شناسی سبز که برای نخستین بار به ارتکاب جرایم زیست‌محیطی کربنی از سوی دولت‌ها و شرکت‌های قدرتمند توجه داشته (وایت، ۲۰۱۸: ۹۵)^۲ از این دسته از رفتارهای آسیب‌رسان تحت

^۱ ر.ک به: نسخه موجود در تارنمای اینترنتی زیر:

<https://www.ekhtebare.ir/wp-content/uploads/2022/12>

^۲ White, 2018: 95

عنوان جرایم سبز ثانویه نام برده است. ثانویه نامیدن این رفتارها به این علت بوده که بیرون از مقررات زیست‌محیطی شکل می‌گیرد و جرم‌انگاری نشده است (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۱۲۸)، اما جرم‌شناسی سبز آن‌ها را جرم می‌داند، چرا که جرم‌شناسان سبز، باتوجه به اینکه امروزه ضررهای زیست‌محیطی فراملی شده است، اصل ضرر را مرکز توجه قرار داده‌اند و آنچه که در تعریف جرم زیست‌محیطی ملاک قرار می‌دهند، ضرر زیست‌محیطی است نه جرم‌انگاری آن‌ها (حاجی‌وند، ۱۴۰۰: ۶۵). البته این رویکرد جرم‌شناسی با ایرادی جدی مواجه است، زیرا رفتاری که جرم‌انگاری درخصوص آن صورت پذیرفته جرم تلقی نمی‌شود، اما یک رفتار آسیب‌رسان زیست‌محیطی است، البته از نگاه جرم‌شناسی و آسیب‌شناسی می‌توان نوعی جرم تلقی نمود. این دسته از رفتارهای آسیب‌رسان زیست‌محیطی در جوامع نئولیبرالیسم بیشتر مشهود است.

قانون‌گذار ایرانی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت اجرای مختلفی را در مورد جرایم اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده، اما در تبصره این ماده، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را در مقام اعمال حاکمیت از شمول ضمانت اجرای ماده ۲۰ مستثنی نموده است. هرچند پیش‌بینی مفاد این تبصره، برطرف کردن دغدغه قانون‌گذار در تداوم اعمال دولتی و حاکمیتی به نظر می‌رسد؛ اما از آنجاکه دولت مهم‌ترین مخرب و آلوده‌کننده زیست‌محیطی است و عملاً در جهت کسب سود و منافع اقتصادی، حق برخورداری از محیط زیست سالم را نقض می‌کند، ضروری است تا دولت به‌عنوان برجسته‌ترین شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری تلقی گردد. ضمناً در ماده ۲۰ قانون یادشده آمده که شخص حقوقی بزهکار باتوجه به شدت جرم و نتایج زیان‌بار آن به ضمانت اجرایی ذکرشده محکوم می‌شود، اما مشاهده می‌شود که با وضع تبصره این ماده، قانون‌گذار عملاً از اعمال مجازات نسبت به دولت در جرایم دولتی و زیست‌محیطی که شدت بالای و نتایج زیان‌بار غیرقابل‌جبرانی دارد، چشم‌پوشی کرده است.

بزه‌انگاری افتراقی سبز (امنیتی شدن دغدغه‌های زیست‌محیطی)

در سال ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۳ ه.ش) در گردهمایی «مطالعه مسائل و دورنمای راهبرد افتراقی شدن حقوق کیفری و سیاست جنایی» افتراقی شدن در حوزه حقوق کیفری ماهوی و شکلی مطرح و بیان شد که عصر برخورد یکسان و نگاه واحد به بزهکاری به سر آمده و نمی‌توان با مجموعه گروه بزهکاران به شکل واحد برخورد نمود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۲: ۵۴). در حال حاضر نیز افتراقی شدن یکی از رگه‌های سیاست جنایی مطلوب است که مدنظر سازمان ملل متحد (مهم‌ترین کنشگر بین‌المللی) می‌باشد. برجسته‌ترین اقدامات در این خصوص تفکیک جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی که در نظام حقوقی فرانسه صورت پذیرفته است.

اهمیت مبارزه و مقابله با تروریسم به عنوان یک پدیده جهانی و مخاطره‌گر امنیت عمومی (بیات و قنبری، ۱۳۹۷: ۸۷) از یک‌سو و جلوگیری از آسیب‌های شدید به محیط زیست از دیگرسو، قانون‌گذار فرانسوی را بر آن داشته که در قانون مجازات جدید مصوب ۱۹۹۲ میلادی اجرایی ۱۹۹۴، به تعریف یکی از مهم‌ترین انواع تروریست به نام تروریسم زیست‌محیطی مبادرت ورزد که از ابتکارات قانون مجازات فرانسه است. در واقع، قانون‌گذار فرانسه با وضع ماده ۲-۴۲۱ بر حق بر محیط زیست سالم اشاره صریح داشته و برای نخستین بار تفکیک مناسبی را از جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی ارائه کرده است. در حقوق ایران جرم مستقلی تحت عنوان تروریسم زیست‌محیطی وجود ندارد، اما در قوانین متعدد جلوه‌هایی از مفهوم تروریسم زیست‌محیطی یافت می‌شود که یکی از این موارد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با آوردن قید «پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک» مرتکب را تحت شرایطی مفسد فی الارض دانسته است.

افتراقی‌سازی دادرسی سبز

آیین دادرسی کیفری قدمت زیادی دارد، به‌گونه‌ای که به هنگام مراجعه به قانون حمورابی، مشاهده می‌شود که در چارچوب این قانون‌نامه، ضوابط و مقرراتی درخصوص تشکیلات دادگاه رسیدگی‌کننده، نحوه اجرای کیفر، نحوه اثبات دعاوی کیفری و قواعدی از

این قبیل وجود دارد. البته لازم به ذکر است که سال‌های متمادی، نظر عده‌ای بر آن بوده که ممکن است نیاز چندانی به آیین دادرسی نباشد و صرف وجود قانون ماهوی و قضات بی‌طرف، مشکل رسیدگی را حل خواهد نمود (آشوری، ۱۳۹۵: ۷۷)، اما امروزه علاوه بر اینکه این ادعا کاملاً مردود تلقی می‌شود. وجود آیین دادرسی کیفری به واکنش جامعه بر ضد جرم نظم خاصی می‌بخشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۸). سخن از افتراقی شدن و چندلایه شدن آیین دادرسی به میان آمده است و با مطرح شدن برخی از جرایم فنی و تخصصی و بزهکاران خطرناک این دسته از جرایم، ضرورت گزینش یک نظام رسیدگی افتراقی، بیش از گذشته احساس می‌شود.

هرچه جرم فنی‌تر و تخصصی‌تر می‌شود، بزه‌دیده آسیب‌پذیرتر و بزه‌کار خطرناک‌تر خواهد شد و در نهایت ضلع سوم این مثلث که همانا جامعه است آسیب بسیاری را متحمل خواهد شد.

یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرایم زیست‌محیطی است. لزوم این موارد افتراقی‌سازی در این حوزه را بیش از گذشته لازم و ضروری می‌نماید.

در کشف شیوه‌های پیچیده بزهکاری اگر ضابط دادگستری به وسایل و فناوری جدی و آموزش‌های لازم و تخصصی مجهز نباشد، در تحقیقات خود درمی‌ماند و ممکن است در مسیر گمراه‌کننده‌ای گام بگذارد که اساس تحقیق را متزلزل کند. پرواضح است که تمامی ضابطان باید شایستگی داشته باشند و این شایستگی از طریق آموزش و تجربه کسب می‌شود. حقوق جامعه زمانی تأمین می‌شود که حتمیت کشف جرم و اجرای مجازات در سطح بالایی قرار گیرد. از این رو باید ضابطان جرایم سبز آموزش دیده باشند. اگر فرد احتمال کشف جرم را به میزان بالایی پیش‌بینی کند دست به ارتکاب جرم نمی‌زند.

خصیصه‌های جرم‌شناختی بزهکاران و خود جرایم سبز و بزه‌دیدگی جمعی در این دسته از جرایم اقتضا می‌کند که در کنار دادرسی تخصصی جرایم سبز وظایف مربوط به ضابطان در مورد جرایم سبز و تحقیق و بازجویی از مرتکبان توسط ضابطان آموزش‌دیده صورت

گیرد. از این رو مساله تشکیل ضابطان یا پلیس تخصصی باید مورد توجه قانون‌گذار باشد. کشف جرم اولین و مهم‌ترین مرحله از مراحل رسیدگی به جرم یا فرآیند کیفری و امری تخصصی و حرفه‌ای است. به همین دلیل ضرورت دارد تا یک نهاد حرفه‌ای و تخصصی تحت عنوان «نهاد کشف جرم» این مرحله از مراحل رسیدگی به جرم را انجام دهد. ضابطین دادگستری و پلیس از مراجع و مقاماتی هستند که به عنوان اولین پل ارتباطی با متهمین و بعضاً بزه‌دیدگان در صف مقدم فرآیند رسیدگی کیفری نقش به‌سزایی در حفظ یا تضییع حقوق متهم، شهروندان و اجتماع دارند. ضابطین دادگستری در انجام وظایف خود دارای اختیاراتی هستند که می‌توانند حتی منجر به سلب آزادی شهروندان شوند. به همین دلیل ضروری است با حقوق شهروندی آشنا شوند و تکالیفی الزام‌آور در جهت رعایت حقوق متهم برای آنان وضع گردد. از این رو نقش پلیس و ضابطان دادگستری در تحقق عدالت کیفری و دادرسی منصفانه بسیار مهم به نظر می‌رسد (حاجی وند، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

حضور ضابطین تخصصی و آموزش‌دیده و پلیس ویژه جرایم سبز برای ارتقای عملکرد نظام حقوقی لازم است. در فلوریدا ضابطان قضایی حیات وحش علاوه بر رسیدگی به جرایم این حوزه، مسئول برخورد با دیگر جرایم نیز هستند. زیرا آن‌ها زیرمجموعه قانون عام ضابطان قضایی محسوب می‌شوند. در نقطه مقابل، در هلند نیروهای پلیس، تخصص‌محور هستند و تنها در حوزه مربوط به خود فعالیت می‌کنند. از این رو، پلیس حمایت از محیط زیست تنها به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کند. در انگلستان، افسران حیات وحش به مسائل این حوزه می‌پردازند. در اسکاتلند نیز پلیس سبز تشکیل شده است. شاید دلیل تشکیل پلیس تخصصی، ماهیت خاص جرایم ضد سبز باشد؛ به طوری که هر جرم مستلزم پاسخ ویژه‌ای است. در حال حاضر ضابطان خاص جرایم زیست‌محیطی، آموزش‌های عمومی را می‌گذرانند نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرایم سبز.

در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادرشاهای تخصصی گسترده شده است. طبق این ماده رئیس قوه قضائیه اختیار تشکیل دادرشاهای تخصصی را دارد که، پیام‌آور بحث افتراقی‌شدن و فنی‌شدن رسیدگی‌ها در

مرحله پیش‌دادرسی علی‌الخصوص در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالاتری برخوردارند. دادسرای تخصصی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی امروزه در شهرستان‌های مختلف تشکیل شده و هم‌اکنون در تهران تحت عنوان «دادسرای انفال و منابع طبیعی» مشغول به کار است. این دادسرا از سال ۱۳۸۳ با عنوان دادسرای ویژه شهرداری و زمین‌خواری فعالیت می‌کرده است.

در رسیدگی به جرایم ضد سبز در نظام حقوقی ایران، تشریفاتی نیز به عنوان جلوه‌ها وجود دارد، اما این جلوه‌ها انتقاداتی در بردارد. یکی از انتقادات کاربرد اصل مناسب بودن تعقیب در جرایم سبز است. جرایم ضد سبز به لحاظ اینکه فنی و پیچیده هستند، برخوردی قاطعانه را می‌طلبد. به نظر می‌رسد اصل موقعیت داشتن و مناسب بودن تعقیب در خصوص این دسته از جرایم که بزه‌دیده جمعی دارد و نسل‌های بعد نیز جزء قربانیان این دسته از جرایم محسوب می‌شوند، جایگاهی نداشته باشد. همچنین توجه به برخی بایسته‌ها نیز می‌تواند موثر واقع شود. این بایسته‌ها عبارت‌اند از: لزوم پیش‌بینی اعلام جرم اجباری (اقتضای عدالت زیست‌محیطی)،^۱ پیش‌بینی زمان لازم برای تعقیب و صدور حکم، لزوم افزایش مدت بازداشت و تحت نظر بودن، تحقیقات مشترک، تسریع در رسیدگی با تحول درباره اثبات جرم (فرض مجرمیت) و لزوم افزایش همکاری‌های بین‌المللی قضایی.

۱. در زمینه حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از ارتکاب جرایم در این حوزه، باید توجه مضاعفی به بحث اعلام جرم نمود. اعلام جرم اجباری که با ضمانت اجرای کیفری همراه می‌گردد در برخی از قوانین کیفری دیده می‌شود. در خصوص جرایم سبز نیز می‌توان این نوع اعلام جرم را در قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ مشاهده نمود. ماده ۲۰ این قانون مقرر داشته: «در صورتی که گزارش مأمور سازمان بر خلاف واقع باشد، مأمور مزبور به دو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهد شد. در مواردی که مأمور شکاربانی با اطلاع از وقوع جرائم مذکور در این قانون از جریان امر به مقام مسئول گزارش ندهد، بر حسب مورد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.» عدالت زیست‌محیطی زمانی تحقق می‌یابد که سیستم عدالت کیفری حمایتی به‌جا و مناسب از محیط زیست نماید. اعلام جرم اجباری شاید در ابتدا مغایر با آزادی‌های انسان باشد، اما هیچ آزادی نباید حق دسترسی به محیط‌زیست سالم را به خطر اندازد. پیش‌بینی اعلام جرم اجباری در برخی از جرایم زیست‌محیطی برای برخی از سازمان‌ها و نهادهایی که داعیه حمایت از محیط‌زیست را دارند، ضروری است. متأسفانه گاه دیده می‌شود نه تنها چنین الزامی وجود ندارد بلکه برای برخی از این نهادها و سازمان‌های حامی محیط‌زیست، موقعیت شاکي و مدعی خصوصی در نظر گرفته شده است. این سازمان‌ها علاوه بر اینکه نباید شاکي یا مدعی خصوصی باشند (جلوگیری از تالی فاسد: گذشت بی‌جا و عدم پیگیری) باید به عنوان اعلام‌کننده جرم با ضمانت‌های کیفری در مقابل عدم اعلام جرم مواجه شوند.

۴- نتیجه گیری

مطالعه و بررسی تأثیرپذیری امنیت ملی کشورها از مسائل زیست محیطی، از جمله حوزه‌هایی است که در سال‌های اخیر مورد توجه واقع شده و علی‌رغم قرار داشتن این مطالعات در مراحل اولیه، ارتقای این حوزه در مطالعات امنیتی و تأثیرگذاری بر سایر حوزه‌های مطالعات امنیتی، امری محتمل است. زیرا برخی حوادث ناشی از مباحث زیست محیطی به گونه‌ای بر امنیت ملی کشورها و مناطق مورد وقوع اثر می‌گذارند که آثار و تبعاتی بسیار فراتر و چشم‌گیرتری از جنگ‌ها و مباحث سیاسی به همراه می‌آورند. از سوی دیگر، شناخت روابط فیما بین تغییرات شرایط آب و هوایی با امنیت ملی کشورها، از حوزه‌های شکل گرفته در سال‌های اخیر است. هرچند این مطالعات در مراحل اولیه خود بسر می‌برد، لیکن دامنه آن به سرعت گسترش یافته و در آینده نیز سایر حوزه‌های مطالعات امنیتی از نتایج و یافته‌های این حوزه متاثر خواهند گردید. شناخت این روابط و مدل مفهومی آن می‌تواند ضمن کمک به شناخت مولفه‌های فوق، به منظور بهره‌گیری از تغییرات آب و هوایی و ایجاد شرایط مورد نظر از طریق استفاده از علوم و فنون مربوطه، منجر به طراحی الگوی راهبردی مناسب و کارآمد برای تقویت وجوه امنیت ملی کشورها گردد.

بزه زیست محیطی یکی از حوزه‌های امنیت ملی، باعث شکل‌گیری مباحثی نوین تحت عنوان امنیت زیست محیطی شده است. خصوصیات متعدد بزه زیست محیطی همراه با آثار غیرقابل جبران باعث شده که این مقوله تأثیر بسزایی در به خطر افتادن امنیت ملی، بین‌المللی و توسعه پایدار داشته باشد. نظام حقوقی ایران با به رسمیت شناختن یکی از بزه‌های ضد سبز تحت عنوان جرایم علیه امنیت ملی در باب افساد فی الارض، به این مهم توجه داشته که بزه زیست محیطی در مواردی می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیندازد، اما بزه ضد سبز در حوزه‌های حقوق انرژی سیاست جنایی منسجمی نداشته که پیشنهاد می‌گردد در قالب جرم‌انگاری‌های افتراقی بدین مهم پرداخته شود.

خصوصیات بزه‌کاران جرایم ضد سبز و حمایت از بزه‌دیدگان سبز نیز بنیان‌های جرم-شناسانه افتراقی‌سازی رسیدگی‌ها در این حوزه است. بزه‌دیده سبز که همان طبیعت و

سپس انسان‌ها هستند، اقتضای آن را دارند که مجرمانی که دست به اقدام تروریستی علیه محیط‌زیست می‌زنند و نوعی سازمان‌یافتگی در درون آن‌ها مشاهده می‌شود را در مقابل قانون قرار دهند. افتراقی‌سازی با پیش‌بینی ضابطین و دادگاه‌ها و دادرهای تخصصی و متعدد برای جرایم و تروریسم زیست‌محیطی، این مهم را امری دست‌یافتنی می‌نماید. در نظام حقوقی ما، جلوه‌هایی از افتراقی‌سازی در خصوص رسیدگی به جرایم سبز در قالب دادرهای تخصصی جرایم زیست‌محیطی مشاهده می‌شود، اما از جهت اینکه هنوز هم تروریسم زیست‌محیطی به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده تا دادرسی آن نیز افتراقی شود و مقررات ویژه‌ای را به خود بگیرد، در نظام تقنینی ضعف جدی مشاهده می‌شود.

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، برای نخستین بار در حوزه محیط زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری آن، دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ این سند مقرر شده که در زمینه «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان آن و الزام آنان به جبران خسارت» پرواضح است که مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادرها و دادگاه‌های تخصصی یا افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصفه ظهور می‌رسد.

پیشنهادها

۱. جهت تأمین امنیت ملی سبز، منشوری شدن فرامین رهبری در خصوص محیط زیست و پاسخگو نمودن هرچه بیشتر بزهکاران زیست‌محیطی، تحقیقاتی در حوزه «منشور حقوق محیط زیست» انجام گیرد. برخی از نظام‌های حقوقی همچون فرانسه جهت ملی نمودن اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست و اتخاذ یک سیاست منسجم سبز، منشور حقوق محیط زیست را تهیه نموده‌اند. این منشور قضات را از احراز رابطه سببیت در بزه‌های ضد سبز رهانیده و برای تأمین امنیت ملی و بین‌المللی به پیشگیری و مقابله با بزه‌های ضد سبز از طریق پاسخ‌های کنشی و واکنشی می‌پردازد.

۲. در تحقیقات آتی «مدل‌های حاکم بر سیاست جنایی زیست‌محیطی در حقوق ایران» طراحی و انتقادات و پیشنهادات ارائه شده در این خصوص مورد ارزیابی واقع شود. چراکه در مقوله محیط زیست، طراحی مدلی با شبکه باز جامعه مدنی باعث انسجام زیستی جامعه و پیشگیری و مقابله با بزه‌های ضد سبز خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ الف. منابع فارسی

- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- بنسون، مایکل و سیمپسون، سالی (۱۳۹۱)، *جرایم یقه سفیدی: رویکردی فرصت‌مدار*، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران: نشر میزان.
- بابایی فرد، اسداله. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی حقوق فراملی، جهانی‌شدن و همبستگی جهانی، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۷، شماره ۲، ۴۰۵-۴۳۵. https://jcl.ut.ac.ir/article_60687.html
- بیات، بهرام و قنبری، محمد. (۱۳۹۷). تبیین تأثیر تهدیدات تروریستی بر احساس امنیت عمومی، *فصلنامه امنیت ملی*، سال هشتم، شماره ۲۹، ۸۷-۱۰۸.
- https://ns.sndu.ac.ir/article_۳۰۴.html
- پورهاشمی، سید عباس و ارغند، بهاره. (۱۳۹۸). *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، تهران، نشر دادگستر
- تریف، تری؛ جیمز، لوسی؛ مورگان، پاتریک و کرافت، استیوارت. (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جوان‌جعفری، عبدالرضا و حاجی‌وند، امین. (۱۴۰۰). تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی، *فصلنامه حقوق بشر*، دوره ۱۶، شماره ۳۱، ۱۹۵-۲۱۶. https://humanrights.mofidu.ac.ir/article_243940.html
- حاجی‌وند، امین. (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری سبز در ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- حاجی‌وند، امین و میرکمالی، علیرضا و صفری، فرشید و سروی سرمدانی، امید. (۱۳۹۷). مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران، *مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی*، دوره ۱۶، شماره ۲، ۶۵-۸۲. https://envs.sbu.ac.ir/article_97947.html
- حاجی‌وند، امین. (۱۴۰۰). *سیاست جنایی سبز سازمان ملل متحد در قبال محیط‌زیست*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد
- جلالیان، عسگر. (۱۴۰۱). *حقوق بین‌الملل محیط زیست (مجموعه مقالات)*، جلد دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- جمهراسی فراهانی، علی‌اصغر. (۱۳۷۴). *بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- رضوی فرد، بهزاد و صفائی، حامد. (۱۴۰۰). مطالعه جرم‌شناختی تحولات بزهکاری در پرتو بحران اقلیمی، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ۵۹-۸۶. https://cld.razavi.ac.ir/article_1621.html
- زارع مهدوی، قادر و دانش ناری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). *امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی*، تهران: نشر میزان.
- سلمان خاکسار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *حکومت، فرد و امنیت*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۷). مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۳۸، شماره ۴، ۲۳۹-۲۵۴. https://jqlq.ut.ac.ir/article_27618.html
- شاملو، باقر و احمدی، اصغر. (۱۳۹۶). بزه‌دیدة‌شناسی سبز، *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه علامه طباطبائی*، دوره ۶، شماره ۲۰، ۳۷-۶۷. https://jclr.atu.ac.ir/article_7826.html
- شاملو، باقر و قلیپور، غلامرضا. (۱۳۹۹). اکوساید (بوم‌زدایی)، جنایتی علیه توسعه پایدار، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران*، دوره ۵۰، شماره ۱۴، ۱۳۷-۱۶۲. <https://jqclcs.ut.ac.ir>
- شمس‌ناتری، محمد ابراهیم. (۱۳۷۸). *جرم سازمان‌یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران*، پایان‌نامه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی: تهران.
- علی‌بابایی، غلامرضا. (۱۳۹۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاسمی، ناصر. (۱۳۹۱). *حقوق کیفری محیط‌زیست*، تهران: نشر خرسندی.
- کشاورز، اسداله. (۱۳۹۹). *بزهکاری سبز*، تهران، نشر میزان

- کاسسه، آنتونیو. (۱۴۰۱). *حقوق بین‌الملل*، ترجمه شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
- کوشکی، غلامحسین. (۱۳۸۸). چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی، *فصلنامه اطلاع‌سانی حقوقی*، ش ۱۷ و ۱۸. https://jllq.ut.ac.ir/article_27618.html
- گرجی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی سبز*، تهران: انتشارات میزان.
- لطفی، حیدر و نامی، محمدحسن. (۱۳۹۰). امنیت زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری امنیت ملی، *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، دوره ۳، شماره ۴، ۱۲۱-۱۴۴. <https://www.sid.ir/paper/177110/fa>
- ماندل، رابرت. (۱۳۸۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مهری، عباس. (۱۳۸۱). بررسی مفهوم امنیت ملی و تأثیر آن در توسعه پایدار، *مجله مطالعات دفاعی-استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی*، شماره پانزدهم، ۷۵-۹۲. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/90836>
- میرکمالی، علیرضا؛ حاجی‌وند، امین و نباتی، علی. (۱۳۹۹). جرایم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی در سنجه جرم‌شناسی فرهنگی سبز، *مجله اخلاق زیستی*، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۱-۱۱. <https://journals.sbm.ac.ir/be/article/view/28923>
- میرکمالی، علیرضا؛ حاجی‌وند، امین و نباتی، علی. (۱۴۰۰). تحلیلی بر صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به تروریسم زیست‌محیطی، بیوتروریسم و آگروتوریسم به عنوان جرایم علیه منافع و امنیت ملی، *مجله امنیت ملی*، دوره ۱۱، شماره ۳۹، ۳۷۷-۴۰۴. https://ns.sndu.ac.ir/article_1404.html
- نجات، سید امین و دبیری، فرهاد. (۱۳۹۴). بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره هفتم، شماره دوم، ۱۷۳-۱۹۷. https://jls.shirazu.ac.ir/article_3216.html
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). *کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار*، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، جلد دوم.

ب. منابع انگلیسی

- Brisman, A & Nigel South (2014), *Green Culture Criminology, New directions in critical criminology*, Routledge publisher.
- Situ, L.D and Michael Emmons, (2013), *Environmental Crime: The criminal Justice Systems role in protecting the Environment*. Sage Publication.
- Vere van Koppen Christiane J.de Poot and Arjan A.J (2010). Blocland, Comparing Criminal Careers of Organized Crime Offenders and General Offender, *European Journal of Criminology*, Vo 17, No5. 275-375. <https://www.researchgate.net/publication/249752258>
- White, R, (2018). Environmental crime and problem-solving Courts, *Article in crime law and social change*, Vol59, issue 3 , 259-269. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10611-013-9414-5>
- www.ekhtebare.ir/wp-content/uploads/2022/12/%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AD%D9%87-%D8%AA%D8%B9%D8%B2%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AA.pdf